

عنوان مقاله:

نقد روایت شناسانه نمایشنامه های علیرضا نادری با تکیه بر آرای ژرار ژنت؛ (مطالعه موردی پچ پیچه های پشت خط نبرد و سعادت لرزان مردمان تیره روز)

محل انتشار:

هشتمین کنفرانس بین المللی مطالعات زبان و ادبیات مل (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 7

نویسنده:

محمد نظری - کارشناس ارشد ادبیات نمایشی

خلاصه مقاله:

بررسی ساختار روایت در آثار ادبی از مباحثی است که در دو قرن گذشته پیشرفت قابل توجهی داشته و نظریه های متفاوتی در آن به وجود آمده است. به طور کلی ارسطو را میتوان به عنوان اولین نظریه پرداز دانست که در حوزه ی روایت نظرات جامعه ای ارائه داد. تا اینکه سال ها بعد و در قرن نوزدهم مسئلهی روایت و شناخت شیوه های روایت توسط فرمالیستها و پسازآن توسط ساختارگرایان اهمیت یافت و جدیتر از گذشته به طبقه بندیهای ساختاری در حوزه ی روایت پرداختند. زمان، زبان، کنش، کارکرد، قصه و روایت از مفاهیم مهمی است که به طور کلی در ساختار روایت مورد بحث قرار میگیرد. آنجا که این پژوهش مبتنی بر آرای ژرار ژنت است علاوه بر مفهوم زمان و زبان و اساسا روایت به مفهوم بینامتنیت که ژنت بسیار بر آن تاکید داشت، پرداخته است. پرداخت به نویسندگان ایرانی از منظر ساختار روایت اهمیت زیادی دارد، زیرا ما را با کیفیت ساختاری و سبکی این نویسندگان آشنا میکند. بر این اساس پژوهش حاضر بر آثار علیرضا نادری درام نویس معاصر ایرانی پرداخته است و دو اثر او یعنی «پچیچه های پشت خط نبرد» و «سعادت لرزان مردمان تیره روز» را با توجه به دیدگاه ژنت در حوزه ی روایتشناسی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. نتایج نشان میدهد که نادری نویسندهای واقعگرا است بنابراین در اثرش از زمان واقعی و سیر طبیعی آن بهره می برد. همچنین زبان در آثار او بسیار ساده و بیتکلف و زبان روزمره یا محاوره است. بینامتنیت در آثار نادری از توجه و دقتی که او به واقعیات پیرامون خود دارد و بهخوبی و با شجاعت به روایت رویدادها می پردازد، صورت میپذیرد و از نوع پنهان است.

کلمات کلیدی:

روایت، روایتشناسی، درام، ژرار ژنت، علیرضا نادری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1758418>

